

# — نقد و معرفی کتاب

## تفسیر قرآن مجید تألیف برادر صاحب وسائل الشیعه احمد بن الحسن الحرّ

رضا استادی

همه آنان علاوه بر نامی که دارند، با عنوان «حر» هم یاد می‌شوند؛ اما اینکه این خاندان از اولاد حرّ ریاحی که از شهدای کربلا است باشند، مسلم نیست.

صاحب وسائل الشیعه که خود از بزرگان این بیت می‌باشد، در کتاب ارجمند اهل الآمل چند نفر از این خاندان را به این شرح شناسانده است:

۱. حسین حرّ عاملی مشغری. ایشان نیای سوم صاحب وسائل است.<sup>۱</sup>

۲. محمد بن حسین حرّ عاملی مشغری، جدّ دوم صاحب وسائل. گوید وی در علوم شرعی افضل دانشمندان زمان خود و از شاگردان شهید ثانی، و شهید ثانی داماد وی بوده است.<sup>۲</sup>

۳. علی بن محمد بن حسین حرّ، جدّ صاحب وسائل: «کان عالماً فاضلاً عابداً کریم الاخلاق». صاحب وسائل توسط پدرش از او روایت می‌کند که در نجف مسموم شد و از دنیا رفت.<sup>۳</sup>

۴. عبدالسلام بن محمد بن حسین حرّ، عموی پدر صاحب وسائل و نیز جدّ مادری او. صاحب وسائل حدود ده سالگی نزد

نسخه‌ای از این تفسیر، در کتابخانه مدرسه مروی تهران است که به اشتباه به صاحب وسائل الشیعه محمد بن الحسن الحرّ نسبت داده شده است. چون روشن شد که این تفسیر با ویژگی‌هایی که دارد، نگاشته صاحب وسائل نیست، باید با بررسی و مراجعه به مصادر، مؤلف واقعی آن را شناخت.

این مطلب را در محضر آیت الله العظمی شبیری زنجانی دامت برکاته مطرح نمودم. معظم له فرمودند خاندان شیخ حرّ گروهی هستند، شاید تألیف شخص دیگری از این خاندان باشد. این راهنمایی سودمند موجب شد حقیر با رجوع به شرح حال اجمالی این خاندان، متوجه شوم تفسیر از برادر صاحب وسائل است نه از ایشان و بحمدالله مشکل حل شد.

امید است یکی از فضلا این تفسیر را - با اینکه ناقص است - و تألیف یکی از بزرگان علمای شیعه است، تحقیق نماید و به صورت مطلوبی چاپ و منتشر سازد.

در آغاز بحث مناسب دیدم شرح حال اجمالی این خاندان را یادآور شوم و سپس به شناخت تفسیر و مؤلف آن پردازم.

- علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه گوید: «آل الحرّ بیت قدیم نبغ فیه جماعات ولا يزال العلم فی هذا البیت الی الیوم». ایشان همچنین گروهی از دانشمندان این خاندان را در همان کتاب یاد و معرفی کرده است و آنچه جای تردید ندارد، اینکه «حرّ» نام یا لقب یکی از اجداد این خاندان بوده و از این رو

۱. اهل الآمل؛ ج ۱، ص ۱۵۴. مشغری قریه از قریه‌های دمشق سوریه است.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۲۹.

او درس خوانده و گوید: «او در هشتادسالگی نابینا شده و در همان زمان به حفظ و از بر کردن قرآن مجید پرداخت و هنگام وفات بیش از نود سال داشت».<sup>۴</sup>

۵. محمد بن محمد بن حسین حرّ، عموی دیگر پدر صاحب و سائل: «کان افضل اهل عصره فی العقلیات».<sup>۵</sup>

۶. حسن بن علی بن محمد بن حسین حرّ، پدر صاحب و سائل و استاد او در بخشی از کتاب های ادبی و فقهی و غیره. تولدش سال ۱۰۰۰ و وفاتش در سال ۱۰۶۲ در راه مشهد رضوی، رخ داد. او را در مشهد به خاک سپردند.<sup>۶</sup>

۷. حسین بن علی بن محمد بن حسین حرّ، عموی صاحب و سائل. وی به اصفهان سفر کرد و شیخ بهائی (ره) او را در خانه خود سکونت داد و تا هنگام وفات شیخ بهائی، نزد او درس می خواند. وی از شیخ بهائی اجازه روایت دارد و صاحب و سائل هم توسط پدرش از او روایت می کند.

مادر او دختر شیخ حسن فرزند شهید ثانی است و شهید ثانی جد مادری اوست.<sup>۷</sup>

۸. محمد بن علی بن محمد بن حسین حرّ نیز عموی صاحب و سائل و استاد او در بخشی از کتاب های ادبی و فقهی و غیره «کان فاضلاً عالماً محققاً مدققاً» در سال ۱۰۸۱ از دنیا رفته است. مادر او هم دختر شیخ حسن صاحب معالم، فرزند شهید ثانی بوده و شهید ثانی جد مادری اوست.<sup>۸</sup>

۹. حسن بن محمد یادشده، پسر عموی صاحب و سائل؛ فاضل صالح فقیه ادیب. پدرش یکی از استادان او بوده است.<sup>۹</sup>

۱۰. احمد بن حسن بن محمد یادشده پسر پسر عموی صاحب و سائل. عالم فاضل ماهر در علوم عقلی و نقلی به ویژه در ریاضیات. مادر وی خواهر صاحب و سائل بوده است.<sup>۱۰</sup> حسن حرّ پدر صاحب و سائل، چهار پسر داشته است.

۱۱. محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین حرّ عاملی مشغری، صاحب تألیفات متعدد مانند و سائل الشیعه، هداية الامة، اثبات الهداة، صحیفه ثانیه و امل الآمل است. تولد او در سال ۱۰۳۳ و وفاتش در سال ۱۱۰۴ می باشد.<sup>۱۱</sup>

در مقدمه امل الآمل و اثبات الهداة و نیز در کتاب الذریعة علامه طهرانی که تألیفات این بزرگوار را یاد کرده اند و نیز در شرح حالی که خود او برای خود نوشته است، بیش از پنجاه تألیف یاد شده است که در بین آنها تفسیر قرآن مجید نیست.

۱۲. علی بن حسن حرّ برادر صاحب و سائل، نزد پدرش و نیز نزد صاحب و سائل درس خوانده «وکان فاضلاً صالحاً زاهداً

عباداً». در سال ۱۰۷۸ هنگام مراجعت از مکه مکرمه پس از اینکه سه سال پی در پی موفق به حج شده بود، در راه مکه از دنیا رفت.<sup>۱۲</sup> ۱۳. زین العابدین بن حسن حرّ برادر صاحب و سائل و مؤلف کتاب المناسک المروية فی شرح الاثنی عشریة الحجیة - که شرح اثنا عشریة حج شیخ بهائی - می باشد.

او در سال ۱۰۷۸ پس از بازگشت از حج خانه خدا در صنعای یمن از دنیا رفته است.<sup>۱۳</sup>

۱۴. احمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین حرّ عاملی مشغری برادر صاحب و سائل.

علامه طهرانی در کتاب ذریعة<sup>۱۴</sup> و نیز اعلام الشیعه (سده ۱۲) و علامه سید محسن امین در اعیان الشیعة،<sup>۱۶</sup> و صاحب و سائل در امل الآمل<sup>۱۷</sup> و خود ایشان در پایان یکی از تألیفاتش، الدر المسلوک<sup>۱۸</sup> شرح حال وی را آورده اند که از مجموع آنها استفاده می شود:

در سال ۱۰۳۶ یا ۱۰۴۱ به دنیا آمده و از صاحب و سائل متولد ۱۰۳۳ کوچک تر بوده است.

صاحب و سائل در سال ۱۰۷۳ به مشهد الرضا علیه السلام رفته و مجاور آنجا شده است و احمد بن الحسن از سال ۱۰۸۴ مجاور آن آستان مقدس شده است.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۰۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۵۴.

۶. همان، ج ۱، ص ۶۵.

۷. همان، ج ۱، ص ۷۸.

۸. همان، ج ۱، ص ۱۷۰.

۹. همان، ج ۱، ص ۶۷.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۳۲.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۱۴۱.

۱۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۸.

۱۳. همان، ج ۱، ص ۹۸.

۱۴. ذریعة؛ ج ۳، ص ۳۱۳ و ج ۴، ص ۲۵۹ و ج ۶، ص ۱۹۳ و ج ۸، ص ۷۰ و ج ۱۱، ص ۲۷۷ و ج ۲۶، ص ۲۶۳.

۱۵. اعلام الشیعة (سده ۱۲)؛ ص ۳۱.

۱۶. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۹۴.

۱۷. امل الآمل، ج ۱، ص ۳۱.

۱۸. الذریعة، ج ۸، ص ۷۰.

نسخه‌ای از این تفسیر در کتابخانه مدرسه مروی تهران است که اینجانب هنگام نگارش فهرست مخطوطات آن کتابخانه به پیروی از کتاب نسخه به اشتباه به صاحب وسائل نسبت داده‌ام<sup>۲۰</sup> و اکنون که با یادآوری برخی از دوستان مقرر شد درباره آن تحقیقی انجام دهم، به این نتیجه رسیدم که این نسخه همان تفسیر احمد بن حسن (نه محمد بن حسن) برادر صاحب وسائل است که در شرح حال او و نیز در کتاب الذریعه به طور اجمال یاد شده است و هنگام استنساخ نسخه، «احمد» به «محمد» تصحیف شده است.

برای اطمینان بیشتر، برخی از قرائن را هم یادآور می‌شوم: یک: صاحب وسائل در آغاز کتاب هایش خود را این طور معرفی می‌کند: «الفقیر الی الله الغنی محمد بن الحسن بن علی الحرّ العاملی». کتاب‌هایی که فعلاً در اختیار بنده است، با همان جمله سرآغاز، اینهاست: امل الآمل، اثبات الهداة، وسائل الشیعه، التنبه علی تنزیه المعصوم عن السهوم، اثنا عشریه، هدایة الامة.

اما آغاز تفسیر این طور است: «العبد المحتاج الی کاشف الضرّ محمد (احمد صحیح) بن الحسن الحر».

و در سرآغاز کتاب دیگر احمد بن الحسن به نام روض الناظرین فی علم الاولین والآخرین آمده است: «فیقول المحتاج الی کاشف الضرّ احمد بن الحسن الحر»<sup>۲۱</sup>.

دو: این تفسیر همانطور که بعد گفته خواهد شد، تفسیر روایی نیست و روشن است که با سبک صاحب وسائل مخالف است. تألیفات صاحب وسائل همه روایتی است و وی را «اخباری» یاد می‌کنند. نیز در این تفسیر، از تقلید از مجتهدان دفاع شده است.

سه: همان طور که گفته شد، در تألیفات صاحب وسائل کتابی با عنوان تفسیر قرآن یاد نشده و در تألیفات برادرش احمد بن الحسن یاد شده است.<sup>۲۲</sup>

#### معرفی این تفسیر

۱. در وقفنامه این نسخه، نام کتاب، کشف المراد دانسته

تاریخ وفات صاحب وسائل که از طرف سلطان صفوی منصب شیخ الاسلامی داشته، ۱۱۰۴ می‌باشد که پس از وی این منصب را احمد بن الحسن بر عهده داشته، در سال ۱۱۲۰ یا بعد از آن وفات یافته است.

فرزندان او: محمد الحرّ متولد ۱۰۹۵، ابراهیم الحر ۱۰۹۸، موسی الحر ۱۱۰۰ که این آخری در زمان حیات پدر از دنیا رفته است و در سال ۱۱۲۰ نواده او صالح بن محمد بن الحر به دنیا آمده است، و از شرح حال این عزیزان اطلاعی در دست نیست.

تألیفات او که در کتاب ذریعه یاد شده، شش عنوان است: التبر المسکوک، تاریخ است به زبان فارسی. نسخه خطی آن در مشهد بوده و از آن در کتاب وقایع الایام شیخ مهدی عبدالآبادی مشهدی (سده ۱۴) مطلبی نقل شده است.

حاشیه بر مختصر نافع محقق حلی. نسخه‌ای از آن ندیده‌ایم.

الدر المسلوک فی احوال الانبیاء والاصیاء والخلفاء والملوک. کتاب بسیار مفصلی است که در سال ۱۰۹۴ تألیف آن به پایان رسیده و نسخه‌هایی از آن در برخی کتابخانه‌ها موجود بوده و یا هست.

روض الناظرین فی علم الاولین والآخرین. در پنجاه سالگی و یا حدود آن در سال ۱۰۸۶ با استفاده از پنجاه کتاب نگاشته شده، دو نسخه از آن در ذریعه یاد شده است.

جواهر الکلام فی الخصال المحمودة فی الانام. فعلاً نسخه‌ای از آن سراغ نداریم.

تفسیر القرآن که با همین عنوان نه با نام معینی، یاد شده است.

صاحب وسائل هم درباره او گوید: «... فاضل صالح عارف به تواریخ و از تألیفات اوست: تاریخ کبیر و تاریخ صغیر (که گفته شده مقصود از این دو تاریخ، همان کتاب‌هایی است که با عنوان التبر المسکوک و الدر المسلوک و شاید روض الناظرین، یاد شد) و حاشیه مختصر نافع محقق حلی و جواهر الکلام فی الخصال المحمودة فی الانام و تفسیر قرآن مجید»<sup>۱۹</sup>.

۱۹. امل الآمل؛ ج ۱، ص ۳۱.

۲۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران، صص ۹۰ و ۲۴۱.

۲۱. الذریعه؛ ج ۱۱، ص ۲۷۷.

۲۲. امل الآمل، ج ۱، ص ۳۱.

شده است. مناسب است متن وقفنامه نقل شود تا بدانیم در دویست سال قبل برای این قبیل نسخه‌ها تا چه حد ارزش قائل بوده‌اند که موجب بقای آنها شده است: «وقف صحیح شرعی مؤید و حبس صریح مخلد نمود این کتاب مستطاب مسمی بکشف المراد را عالیجاه رفیع جایگاه مقرب بارگاه، شاهنشاه جمشید جاه افتخار الامراء فخرالدوله حاجی محمدحسین خان قاجار مروزی،<sup>۲۳</sup> [که مدرسه مروی تهران را ساخته و به نام او معروف است] بر مدرس و طلاب مدرسه‌ای که بنا کرده واقف مسطور در مقابل خانه خود که واقع است در محله عودلاجان و مستغنی از تحدید و توصیف است. به شرط آنکه موقوف علیهم بیرون نبرند کتاب مذکور را از مدرسه مگر با اذن مدرس و اطلاع جمعی از ثقات طلبه، به شرط آنکه بیش از یک شبانه روز در خارج مدرسه نگه ندارند و بیش از احتیاج در نزد خود نگاه ندارند و چون رفع احتیاج شد. به دیگری از طلبه که محتاج باشد، تسلیم نمایند تا کتاب معطل نباشد.

و تولیت کتاب مذکور با خود واقف است مادام الحیاة و بعد الممات با مدرس مدرسه مذکوره باشد و هرگاه خدا نخواسته مدرسه مذکور، منهدم شود و از حیز انتفاع بیرون رود، وقف است بر طلبه با تدین و استعداد دارالسلطنه طهران و تولیت آن با حاکم شرع است ما ترادف اللیل والنهار و تعاقب القرون والاعصار و قفاً صحیحاً شرعياً بتیاً علی ان لایباع ولا یرهن ولا یشری ولا یوجر، و جرت الصیغة الشرعية (یک کلمه خوانده نشد) فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ. و کان ذلک فی شهر ربیع الاول من مشهور سنة ۱۲۳۰. ۲۴

اینکه نام این تفسیر در این وقفنامه کشف المراد دانسته شده، گویا به این سبب است که در مقدمه آن این عبارت آمده: «والتفسیر کشف المراد عن اللفظ المشکل»؛ با اینکه این عبارت ربطی به نام کتاب ندارد.

۲. در مقدمه گوید مقصودم نگارش تفسیری مختصر بوده که حمل آن در سفر هم آسان و در سفر و حضر مورد استفاده قرار گیرد؛ از این رو تفاسیر متعددی تهیه و با صرف وقت از میان اقوال و روایات، بهتر و اشرف آن را اختیار و هر جا روایات فراوان و احیاناً مختلف بوده، به یک یا دو سه روایت بسنده کرده‌ام.

و چون مسلک‌های مفسران مختلف بود و برخی به ادبیات و جنبه‌های ادبی و حل مشکلات این حیث نظر داشته و نیز برخی خیال کرده‌اند که در قرآن مجید تغییر و زیاده و نقصان روی داده،

روایاتی ضعیف در این باره نقل کرده و آنها را صحیح دانسته‌اند؛ با اینکه سیدمرتضی فرموده: «قرآن معجزه نبوت و مأخذ علوم و احکام دینی است و علمای اسلام در حفظ و حراست و حمایت از آن منتهای کوشش را کرده و موارد اختلاف در اعراب و قرائت و حروف و آیات را هم نوشته‌اند و قرآن در زمان خود رسول گرامی اسلام «مجموعاً مؤلفاً علی ماهو الان» بوده است و افرادی مانند عبدالله بن مسعود چند بار قرآن را نزد رسول خدا(ص) خوانده و ختم کرده‌اند».

آن گاه می‌گوید: اما قصد من این است که معانی آیات را با توجه به سبب نزول آنها بیان نمایم.

همچنین در همین مقدمه می‌گوید: «اینکه گفته شود همه آیات قرآن فقط و فقط باید با روایات اهل بیت تفسیر شود، سخن صحیحی نیست؛ زیرا امامان علیهم السلام قرآن را وسیله شناخت حدیث درست از نادرست قرار داده‌اند و چگونه قرآنی که برای ما قابل فهم نباشد، می‌تواند وسیله شناخت روایت درست و نادرست گردد. آری آیات متشابه وضع دیگری دارد». همان طور که روشن است، از این مقدمه برمی‌آید: ایشان نمی‌خواسته تفسیری به سبک محدثان بنویسد و پیش تر گفتیم که یکی از شواهد اینکه این تفسیر از صاحب و مسائل نیست، سبک آن است که با سبک کارهای آن بزرگوار همگون نمی‌باشد.

۳. در این تفسیر (مانند تفسیر صافی مرحوم فیض کاشانی که از عبارات تفسیر بیضاوی بسیار استفاده و اقتباس شده و مطالب لازم و روایات به آن افزوده شده است)، از تفسیر مجمع البیان و تفسیر بیضاوی به وفور استفاده و اقتباس شده و در موارد لازم، مؤلف مطالبی افزوده و در مواردی نیز کلام صاحب تفسیر بیضاوی را رد نموده و یا آنها را تصحیح و ترمیم کرده است.

۲۳. شرح حال وی خواندنی و عبرت آموز است در آغاز فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی طهران (ص ۸-۲۰) و نیز برخی از تألیفات اینجانب چاپ شده است. وفات او در سال ۱۲۳۳ واقع شده است.

۲۴. به پشت برگه اول این نسخه رجوع شود. در صفحه کنار وقفنامه این یادداشت وجود دارد: در سال ۱۳۰۷ پانزده قرآن قیمت شد.

۷. در اطراف صفحات این نسخه از تفسیر صافی فیض (ره) و یک جا از «بشارة الشیعه» او با این عبارت: «مولانا محسن الکاشانی رحمة الله در بشارة الشیعه گوید» و از شهید ثانی در یک مورد با این عبارت: «قال شیخنا عماد الاسلام زین الملة والدين» و از حاشیه طیبی بر کشف زمخشری و از مجمع البیان و تفسیر بیضاوی و تفسیر قمی و شرح ذیح البلاغه ابن میثم و شرح لمعه شهید ثانی و حواشی با امضای «سید احمد العلوی (ره)» و مطلبی از میرزا علی رضا سلمه الله و از سید علیخان مدنی، حاشیه هایی هست که احتمالاً همه یا بخشی از آنها، از خود مؤلف باشد.

۸. در ذیل آیه ۱۹۵ سوره بقره: «ولا تلتقوا بایدیکم الی التهلکة» می نویسد: «این آیه دلالت دارد بر حرام بودن اقدام بر کاری که خطر جانی دارد و دلالت دارد بر جواز صلح با کافران و یاغیان، در صورت ترس امام بر جان خود یا جان مسلمانان؛ همان طور که رسول خدا (ص) در حدیثیه با مشرکان و امیر مؤمنان (ع) در صفین، و امام حسن علیه السلام با معاویه انجام دادند.

و اگر به قیام و جنگ امام حسین (ع) نقص شود، باید گفت  
انه ظن آنهاست ...»

و در ادامه، پاسخی مانند آنچه در آثار سید مرتضی (ره) و شیخ طوسی (ره) هست، داده است (به ورق ۳۱ و ۳۲ نسخه رجوع شود).

۹. از تاریخ و قفنامه برمی آید: تاریخ کتابت این نسخه پیش از ۱۲۳۰ بوده و کاتب نسخه، یا به خاطر ضعف سواد و یا بدخط بودن نسخه ای که از روی آن نوشته، گرفتار اشتباهاتی شده است که یکی از آنها همان تصحیف «احمد» به «محمد» در برگ اول نسخه است؛ مثلاً در ورق نهم، یک جا کلمه «ندب» به کلمه «ذنب» تصحیف شده است و پیداست که نسخه تصحیف نشده و نیاز به تصحیح و مقابله با مصادر و مدارک آن دارد.

۱۰. این نسخه فقط سوره فاتحه تا سوره اعراف آیه ۹۳ را دارد. و اوراق مربوط به سوره بقره، آیه ۸۶ تا ۹۹ و آیه ۱۲۵ تا ۱۳۵ و سوره مائده آیه ۲۹ تا ۱۱۴ از این نسخه افتاده است و به علاوه، ممکن است برخی آیات را خود مؤلف تفسیر نکرده باشد. این نسخه ۱۲۰ برگ دارد و آغاز آن چنین است: «الحمد لله الذی انزل القرآن هدی للناس ...». و تا آنجا که بنده اطلاع دارم، نسخه ای منحصر به فرد است و نسخه دومی از آن سراغ نداریم.

کتاب ها و اشخاصی که در این بخش موجود از این تفسیر، نام برده شده، اینها است: فقیه شیخ صدوق، تفسیر قمی، تفسیر ثعلبی، جوامع الجامع طبرسی، تفسیر بیضاوی، تفسیر مجمع البیان طبرسی، شیخ طوسی (ظاهراً از تفسیر تبیان)، سید مرتضی.

۴. بنای مؤلف بر اختصار بوده و در مقدمه می گوید: اکثر مطالب این تفسیر را در حاشیه قرآن خود نوشته بودم و اکنون به نقل آنها در این کتاب می پردازم. واضح است که آنچه در حاشیه نسخه ای از قرآن مجید می توان نوشت، مطالبی کوتاه و مهم لازم است.

۵. از ویژگی های این تفسیر آن است که هر جا در آیه ای مسئله فقهی مطرح شده است، در غالب این موارد نظر فقهای امامیه و شیعه را به ضمیمه آرای فقهای عامه یاد کرده است؛ مثلاً در ورق ۳۰ در ذیل آیه «ولاتباشروهن وانتم عاکفون فی المساجد» که بحث اعتکاف مطرح شده، می گوید: «وعندنا لا یصح الاعتکاف الا فی احد المساجد الاربعه ... وعند سائر الفقهاء یجوز فی سائر المساجد الا ان مالکا قال انه مختص بالجامع».

نیز می افزاید: «نزد ما اعتکاف بدون روزه صحیح نیست و ابوحنیفه و مالک هم همین نظر را دارند، اما شافعی اعتکاف را بدون روزه صحیح می داند و نزد ما اعتکاف باید سه روز باشد؛ اما ابوحنیفه با یک روز هم صحیح می داند و مالک ده روز را لازم می داند و شافعی حتی یک ساعت را کافی می داند».

۶. در آیات مربوط به امامت و شیعه، مانند تفسیر مجمع البیان در عین حال که حق را بیان می کند، نسبت به دیگران لحن بدگویی ندارد و حتی یک جا مطلبی را بدون ذکر مدرک آورده است (که مدرک آن تفسیر ثعلبی و تفسیر بیضاوی و مانند آنهاست) و اگر نمی آورد، بهتر بود زیرا مطلب نادرستی است گرچه می توان آن را به نحوی توجیه کرد (ورق پنجم نسخه).

و در مطالب مطرح شده در کتاب پیداست که سبک او سبک طبرسی در مجمع البیان و شیخ طوسی در تفسیر تبیان است.